رواق
ویژه‌فرهنگ‌ومعارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۲۸۰ |

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع):

تبلیغ دین با ظهور رسانه‌ها به‌شدت پیچیده شده است

۳

محمود کریمی در گفت‌وگو با KHAMENEI.IR:

هیئت در جهاد امروز باید در خدمت مردم باشد

۲

از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی انجام می‌شود

اجرای طرح کلان «زیارت در ادیان»

۴

رونق دادن به زندگی محرومان با زکات درختان پسته

۲

مدیر مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی تشریح کرد

استفاده از موقوفات برای تحقق اقتصاد مقاومتی

۴

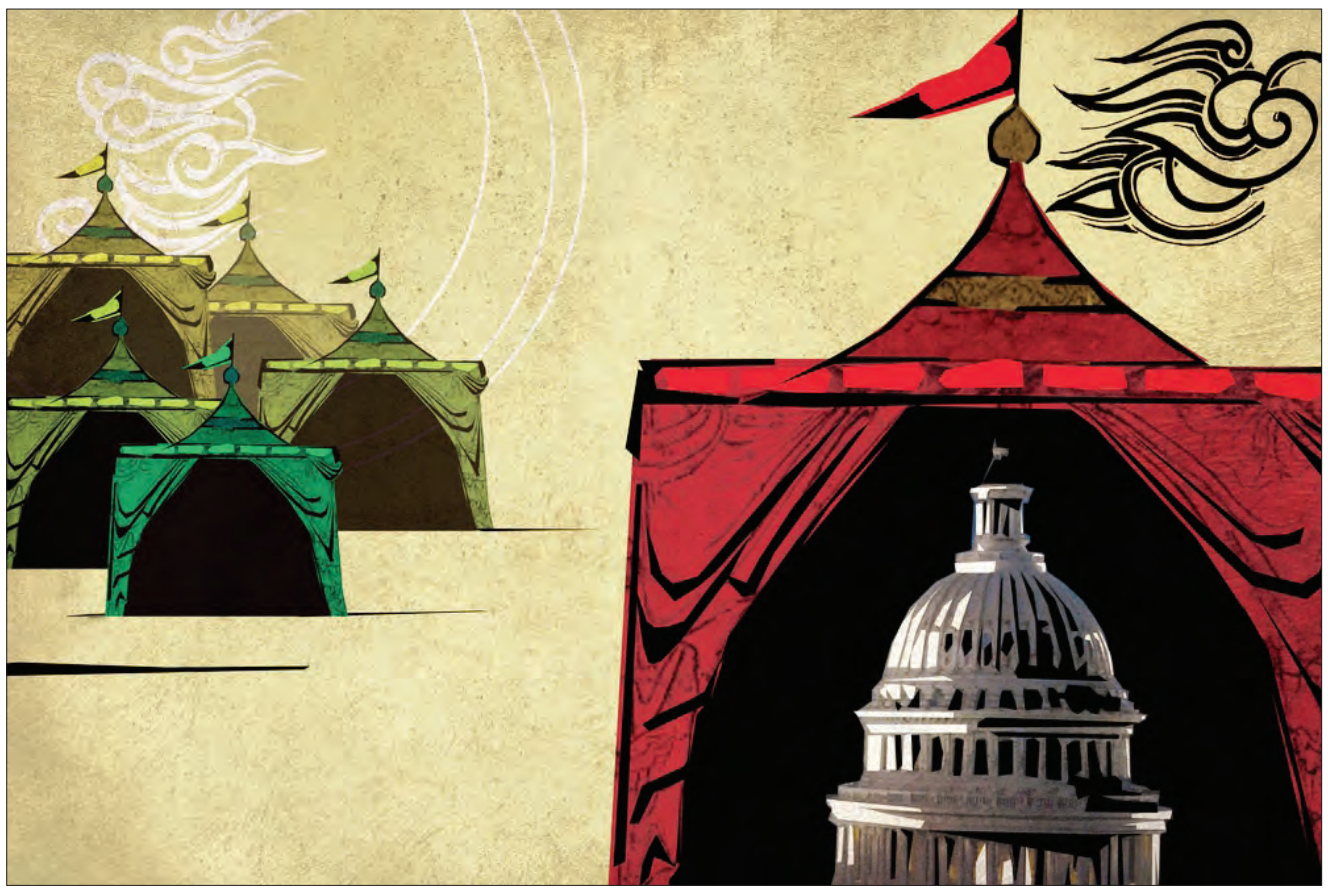

دکتر روح‌الامین سعیدی از «منطق ستیز با استکبار» می‌گوید

استکبارستیزی از تعالیم انبیا تا تجربه میدانی

«پالایش، صیقل دائمی و بازتولید گفتمان‌ها برای جلوگیری از حاشیه‌نشینی و بقای آن لازم و ضروری است. بی‌شک گفتمان انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از مهم‌ترین مفاهیم گفتمان انقلاب، مفهوم «استکبارستیزی» است که در ارتباط تنگاتنگ و معنادار با سایر مفاهیم مانند آزادی، عدالت، استقلال، جهاد، ایثار و شهادت یک منظومه کامل گفتمانی را هویت و معنا می‌بخشد. اهمیت استکبارستیزی از آن نظر است که جزو ارکان اصلی فلسفه نهضت امام ...

۲

مروری بر فرازهایی از نصیحت حضرت ثامن‌الحجج(ع) به برادرش

تقوا پیشه کن، نَسَب به چه کار می‌آید؟

محمدحسین نیکبخت | یکی از آموزه‌های بسیار مهم دین مبین اسلام، توجه به جایگاه یکسان بندگان خدا و گرامی داشتن آن‌ها با ملاک تقواست. خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَاللَّهِ أَتْقاكُمْ»؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست. مطابق این آموزه، نژاد، نسب، ثروت و ملاک‌هایی از این قبیل، نه در این جهان و نه در سرای باقی، اسباب ترقی و جایگاه برتر داشتن نیست. این دستورالعمل که یکی از جذاب‌ترین دستورالعمل‌های دین ماست، انعکاسی تمام در تاریخ زندگی ائمه معصومین(ع) دارد و می‌توان موارد متعددی را در این باره ارائه کرد. در سیره حضرت ثامن‌الحجج(ع) و احادیث گرانبهایی که از ایشان به دست ما رسیده نیز چنین است. یکی از مشهورترین این روایت‌ها، مربوط به نحوه برخورد امام(ع) با برادرش زید می‌شود که شیخ صدوق آن را در کتاب ارزشمند «عیون اخبارالرضا(ع)» به تفصیل نقل کرده است و ما امروز در صفحه نخست رواق، به بازخوانی آن خواهیم پرداخت.

■ فکر می‌کنی با معصیت به بهشت می‌روی؟!

زید بن موسی، یکی از برادران امام رضا(ع) بود که سر بسیار پرشوری داشت. او از افراد شرکت‌کننده در قیام «ابن‌طباطبا» است که در عهد مأمون به وقوع پیوست. برخی مورخان زید را به دلیل زیاده‌روی‌هایش در اعمال خشونت نسبت به دشمنان، «زیدالنار» نامیده‌اند. روش‌های او، البته مورد تأیید امام رضا(ع) نبود و آن حضرت بارها برادر خود را از انجام این رفتارها نهی و به دلیل اتخاذ چنین رویکردی، شماتت فرمود. شیخ صدوق در باب پنجاه و هشتم کتاب «عیون اخبارالرضا(ع)» به گفت‌وگوی امام(ع) با برادرش می‌پردازد؛ گفت‌وگویی که از منظر اعتقادی و بررسی آموزه‌های ناب اسلامی، جایگاه درخور توجهی دارد. بر اساس روایتی که او از علی بن ابراهیم بن هاشم نقل کرده است، پس از بازداشت و دستگیری زید توسط مأموران مأمون، وی برادر امام(ع) را نزد ایشان فرستاد تا هر طور صلاح می‌داند با وی رفتار کند. راوی می‌گوید وقتی زید را نزد حضرت ثامن‌الحجج(ع) آوردند، امام(ع) به وی فرمود: «ای زید! آیا تو را سخن مردم نادان اهل کوفه مغرور نموده است که روایت می‌کنند فاطمه(س) پاکدامن بود و خداوند آتش را بر ذریه‌اش حرام کرد؟ این سخن، فقط مخصوص حسن و حسین(ع) است. اگر گمان می‌بری که تو با معصیت خداوند عزوجل به بهشت می‌روی و پدرت موسی بن جعفر(ع) که اطاعت خدا می‌کرد نیز [مانند تو] به بهشت داخل می‌شود، در این صورت تو در نزد خداوند گرامی‌تر از پدرت خواهی بود! به خدا سوگند هیچ کس جز از راه طاعت و بندگی پروردگار به پاداش نیکویی که نزد اوست، مفتخر نخواهد شد و تو می‌پنداری با معصیت به آن می‌رسی؟ پس گمان تو، گمان بدی است». زید که ظاهراً از کلام امام(ع) احساس خجالت و سرافکندگی می‌کرد، برای آنکه موقعیت خود را تقویت کند و شاید با کنایه و اشاره از امام رضا(ع) بخواهد که او را اینچنین در برابر دیگران شماتت نکند، ماجرای خویشاوندی و برادری خود را با آن حضرت پیش کشید و گفت: «من، برادر تو و پسرِ پدر تو هستم!».

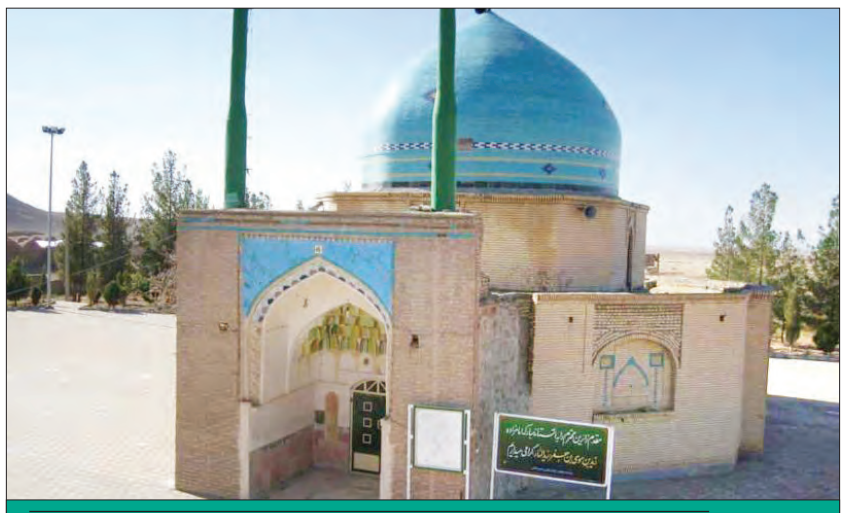

گزیده

زید بن موسی، یکی از برادران امام رضا(ع) بود که سر بسیار پرشوری داشت. او از افراد شرکت‌کننده در قیام «ابن‌طباطبا» است که در عهد مأمون به وقوع پیوست. برخی مورخان زید را به دلیل زیاده‌روی‌هایش در اعمال خشونت نسبت به دشمنان، «زیدالنار» نامیده‌اند.

علی بن موسی‌الرضا(ع) بلافاصله فرمود: «تو هنگامی برادر من هستی که خدای عزوجل را اطاعت کنی. همانا نوح گفت: پروردگارا! پسر من [کنعان] از خانواده من بود و تو فرموده بودی که خاندان تو را نجات می‌دهم و او هلاک شد و حال اینکه وعده تو راست است و تو بهترین حکم‌کنندگانی. حق تعالی فرمود: ای نوح! به راستی که [پسرت] از خاندان تو نبود و کرداری ناشایست داشت. پس خداوند متعال وی را به سبب گناهش از خاندان نوح بیرون کرد».

■ ملاک دوستی با دیگران

شیخ صدوق در جایی دیگر از کتاب خود، باز به نصایح امام رضا(ع) به برادرش زید می‌پردازد و از حسن بن جهم روایت می‌کند که آن حضرت به زید می‌فرمود: «ای زید! از خدا بترس و پرهیزگاری پیشه کن که ما به هر مرتبه‌ای که رسیده‌ایم، از پرهیزگاری بوده است و کسی که پرهیزگار نباشد و دستورهای دین خدا را مراعات نکند، از ما نیست و ما هم از او نیستیم». حسن بن جهم می‌گوید که امام(ع) پس از نصیحت کردن برادرش، رو به من کرد و فرمود: «ای پسر جهم! من از هر کس که با دین خدا مخالفت ورزد، بیزارم؛ از هر خاندان و قبیله‌ای که باشد. هر کس را دیدی که با خدا دشمنی می‌کند، با او دوستی نکن، حال از هر تباری که می‌خواهد باشد». حسن بن جهم می‌گوید: عرض کردم ای پسر رسول خدا! کیست که با خدا دشمنی می‌کند؟ فرمود: «آن کس که معصیت او را می‌کند».

نیم‌نگاه

نهج‌البلاغه و جنبش‌های سیاسی ایران

چند روز پیش در وبیناری در بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دکتر محمود ملکی، عضو هیئت علمی پژوهشکده علوم اسلامی رضوی در سخنانی به «نقش نهج‌البلاغه در جنبش‌های سیاسی ایران» پرداخت.

بخش‌هایی از سخنان او را در ادامه می‌خوانید:

از شاخص‌ترین چهره‌ها در عرصه نوگرایی در ایران و جهان اسلام می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی اشاره کرد؛ او نه تنها بر جنبش مشروطیت در ایران تأثیر جدی گذاشت بلکه در سایر کشورهای اسلامی تأثیر بسزایی بر عالمان آن سامان داشته است. البته محمد عبده از دانشمندان مصری هم مانند اسدآبادی در پی این بود تا ثابت کند اسلام این توانایی را دارد که به صورت یک ایدئولوژی راهنما و تکیه‌گاه جامعه اسلامی قرار گیرد. از جمله منابعی که او در این راه از آن بهره برد نهج‌البلاغه بود.

فتوای تحریم تنباکوی میرزای شیرازی آغازی برای ورود مستقیم و آشکار عالمان به عرصه سیاست بود. ایشان فقیه و مرجعی با کیاست و زیرک در سیاست بود که نهج‌البلاغه را ارج می‌نهاد و به شاگردانش توصیه می‌کرد هر روز پیش از آغاز درس قدری از نهج‌البلاغه را بخوانند.

آخوند خراسانی شاخص‌ترین فرد اثرگذار و نقش‌آفرین در نهضت مشروطه است. او شرحی بر خطبه نخست نهج‌البلاغه دارد و بر کتاب «تنبیه الامه» نائینی تقریظی نوشته است. در این کتاب نائینی به آیات قرآن و احادیث و به طور خاص به نهج‌البلاغه استناد کرده است.

مرحوم مدرس هم در سیاست حضور فعالی داشت. او شاگرد آخوند خراسانی است که نهج‌البلاغه را منبعی برای اخلاق، تاریخ تحلیلی، عقاید و مسائل اجتماعی و حکومتی می‌دانست.

امام خمینی(ره) نیز در سال ۱۳۴۸ در نجف مبحث ولایت فقیه را با استنادات فراوان به نهج‌البلاغه طرح کردند. ایشان در موضوعات لزوم تشکیل حکومت، ویژگی‌های لازم را برای تحقق اهداف عالی با استناد به خطبه‌ای از نهج‌البلاغه و عهدنامه مالک بیان فرمودند.

در واقع سید جمال‌الدین اسدآبادی پیوند نوگرایی و اسلام است. توجه به نهج‌البلاغه از شاگرد سیدجمال یعنی عبده و همزمان در سامرا به وسیله میرزای شیرازی رهبر جنبش تحریم تنباکو آغاز می‌شود. مدرس هم پس از مشروطه ادامه‌دهنده راه نائینی بود و نهج‌البلاغه را به حوزه‌های علمیه وارد کرد.

خبر

تشکیل نخستین مجمع خیرین مدارس امام رضا(ع)

به همت بنیاد فرهنگی رضوی نخستین مجمع خیرین مدارس امام رضا(ع) آغاز به کار کرد.

به گزارش آستان‌نیوز سیدمحمدصادق علی‌پرست؛ سرپرست بنیاد فرهنگی رضوی در آیین تشکیل نخستین مجمع خیرین مدارس امام رضا(ع) که روز گذشته برگزار شد، به اهداف و مأموریت‌های مجمع خیرین مدارس امام رضا(ع) اشاره و عنوان کرد: توسعه و ترویج فرهنگ وقف و نذر در بین جامعه هدف، جهت‌دهی، سازماندهی و هم‌افزایی ظرفیت‌های خدمت‌رسانی خیرین در مدارس کم‌برخوردار و محروم و... از جمله اهداف و مأموریت‌های این مجمع است.

وی همچنین با بیان اینکه دامنه وسیعی از خدمات در اساسنامه این مجمع تعیین شده است، افزود: مشارکت در تأمین هزینه نام‌نویسی دانش‌آموزان هدف، تأمین هزینه‌های آموزشی اعم از دوره‌های آموزشی، مشاوره تحصیلی، کلاس کنکور و...، تأمین بسته‌های نوشت‌افزار و کمک آموزشی جامعه هدف، شناسایی دانش‌آموزان مستعد برای بورسیه تحصیلی، خرید و توزیع تجهیزات آموزشی ویژه مدارس منطقه محروم، تجهیز و راه‌اندازی کتابخانه‌ها در سطح مدارس و... برخی از خدمات این مجمع در حوزه تحصیل و آموزش است.

این مقام مسئول، دانش‌آموزان کم‌برخوردار با اولویت مدارس امام رضا(ع)، خانواده دانش‌آموزان کم‌برخوردار و دانش‌آموزان مناطق محروم در استان و کشور را جامعه هدف این مجمع برشمرد و افزود: یکی از اهداف آستان قدس رضوی وقف آموزشی است که نباید از آن غافل شویم؛ خوشبختانه در حال حاضر بستر ساخت فضاهای آموزشی با کمک خیران و آستان قدس رضوی فراهم شده که باید از این فرصت استفاده کنیم.

نیمکت زندگی

آدم‌ها به هم مربوط‌اند

رقیه توسلی | صبح: باورم نمی‌شود دنیا این قدر شلوغ پلوغ باشد که نشود از دست مریضی چند ساعت گوشه‌ای پناه گرفت. از طرفی صدای خالی کردن بارِ آهن و میلگرد از سروکول خانه بالا می‌رود و از طرفی قریب دو ساعت است که خودرو تخلیه چاه آمده توی خیابان و ول کن ماجرا نیست. همزمان همسایه بالایی هم بنا را گذاشته به شکستن گردو!

ظهر: به آدم‌های زیادی اجازه می‌دهم بیایند توی سرم. فی‌المثل به «خانم سهروردی» بابت این همه تق تقِ گردو شکستن می‌گویم؛ چرا باید تاوان فسنجان خوردن شما را من بدهم همسایه گرامی؟ از «آقای رحمانی» هم گله می‌کنم که بفرمایید گناه ما چیست که هم‌دیواریم با شما؟ اینجا مگر استادیوم آزادیه؟ به «سرکارگر صفرپور» هم که یک جمله بیشتر نمی‌گویم؛ از شما راضی نیستیم.

عصر: سازش کوک نیست. صدایش روی مُخ است. بد می‌خواند. خیابان به این گل و گشادی را ول کرده، ده دقیقه‌ای می‌شود که زوم کرده حوالی آپارتمان ما می‌نوازد و می‌خواند. رفتارش مشکوک است. پیداست از آن کوچه‌گردهای پول‌بگیر نیست چون رو به یک مجتمع ساز می‌زند. قصه از نیم ساعت که می‌گذرد و نیروی انتظامی که سر می‌رسد، ملت بی‌ماسک و باماسک حلقه می‌زنند و باقی ماجرا. داستان خاطرخواهی و شکایت و این‌هاست. روز پرتلاطم، شب می‌شود. اخبار روشن است. دارد سربازی را نشان می‌دهد که فداکاری کرده و نگذاشته ماشینی که راننده یادش رفته ترمز دستی‌اش را بکشد، برود وسط جاده. جلوتر می‌فهمم که بچه خردسالی توی اتومبیل بوده. می‌فهمم مرام و معرفت و مَشتی‌گری مال توی کتاب‌ها نیست. می‌فهمم آدم‌ها به هم مربوطند. تلویزیون را که خاموش می‌کنم به دنیای بدون این سرباز فکر می‌کنم که اصلاً قشنگ نیست. به خودم، به صبر، سروصدا، اُمیکرون، عصبانیت و به نصیحت مادربزرگ خدابیامرزم که همیشه می‌گفت دردت به جانم! یادت باشد آدمیزاد از دو چیز هیچ وقت خدا پشیمان نمی‌شود؛ صبر و عشق.

پی‌نوشت

امام صادق(ع) می‌فرمایند: عاقبت صبر و شکیبایی، خیر است.

امام محله

رونق دادن به زندگی محرومان بازکات درختان پسته

حجت‌الاسلام طاهری گفت: ۱۸۵ نهال پسته توسط مردم روستای بسطاق در قالب طرح زکات مستحبی اهدا شده که برخی از آن‌ها به ثمر نشسته و عواید آن برای امور خیر و کمک به نیازمندان صرف می‌شود.

به گزارش خبرگزاری شبستان، گفتمان امام محله به همت بنیاد هدایت این روزها توانسته به خوبی جای خود را میان مردم و در سطح محلات باز کند؛ گفتمانی که در دوران سخت شیوع کرونا و آسیب‌های اقتصادی ناشی از آن کارکردهای مثبت و مسجدی خود را ثابت کرد و توانست بارهای سنگینی را از دوش مردم بردارد.

حجت‌الاسلام محمد طاهری، امام روستای بسطاق از توابع شهرستان سرایان خراسان جنوبی از جلسه امام محله‌هایی است که توانسته با تجمیع کمک‌های مردمی اتفاقات خوبی را برای محرومان رقم بزند.

حجت‌الاسلام محمد طاهری همراهی اهالی روستا و مشارکت‌های مردمی را مهم‌ترین سرمایه در رفع مشکلات برشمرد و ابراز کرد: در مباحث خیر و رفع محرومیت‌ها تلاش‌های خوبی شده که قابل تقدیر است، مردم بیشترشان کشاورز و دامدار هستند و در فعالیت‌هایی چون تکمیل حسینیه و مسجد و پروژه‌های عمرانی و معنوی کمک کرده‌اند و در پرداخت زکات واجب و مستحب در تلاش‌اند.

وی در مورد این کمک‌ها ادامه داد: در دو سال اخیر به دلیل کمبود آب، بسیاری از اهالی به کشت نهال پسته رو آوردند و باروبرکدری که در پرداخت زکات مستحبی دارند امسال ۱۸۵ نهال پسته را در طرح زکات آوردیم که به بار نشسته و پنج تُن پسته از آن‌ها برداشت شد.

امام روستای بسطاق در ادامه گفت: از طریق کمیته امداد نسبت به پلاک‌زنی نهال‌ها اقدام کردیم و بسیاری از اهالی نیز خودشان برای نهال‌ها پلاک گرفتند که با حضور ائمه جمعه و فرماندار منطقه چند باغ به صورت نمادین پلاک‌گذاری شد و دیگران نیز در این طرح مشارکت کردند و از منافع آن در کارهای خیر و تأمین جهیزیه و مراسم مذهبی استفاده می‌شود.

وی تصریح داد: پرداخت زکات را به خود اهالی موقع برداشت واگذار کرده‌ایم که در این باره پس از چیدن محصول، پسته یا پول آن را به مرکز نیکوکاری تحویل می‌دهند.

این روحانی فعال در امور خیریه بیان کرد: برنامه‌های مختلفی در طرح بین‌المللی منابع طبیعی درزمینه نهال‌کاری و جنگل‌کاری و احیای زمین‌های در دست تخریب داشته‌ایم که با مشارکت اهالی انجام شده است، همچنین با ایجاد صندوقی توانستیم سود و عواید نهال‌کاری را در اختیار نیازمندان به‌منظور دریافت وام قرار دهیم.

وی تصریح کرد: در حوزه زکات نیز شورای زکات را برای مشارکت‌های بیشتر اهالی تشکیل دادیم و وقتی مردم کم‌کم ما را در کنار خودشان دیدند، همکاری بیشتری اتفاق افتاد. در این صندوق با بیگیری کمیته امداد و مرکز نیکوکاری پیشنهاد شد مجوزهای لازم را دریافت کنیم و با مشارکت مردم و تشکیل گروه‌ها، وام‌هایی را در اختیار متقاضیان قرار دهیم.

موعظه

آیت‌الله حائری شیرازی

حکایت اعمال آدم، حکایت ریشه و شاخه درخت است

انسان اگر با تقوا باشد مثل گردویی است که زیر خاک دفن می‌شود و در زمین، فرصت ریشه زدن پیدا می‌کند. چنین انسانی در رضای خدا قرار گرفته است. اگر گردو را از زیر خاک بیرون آوری، دیگر یاختی، اگر ریشه‌اش از زیر خاک بیرون آید، خشک می‌شود.

انسان باید کارش را برای خدا انجام دهد و در زیر خاک دفن کند و به دیگران فرض نشدن دهد کاری کرده است. اگر برای خدا جیهه رفته، بیرون نشاید و این ریشه را از خاک خارج نکند. اگر هم ریشه خواست بیرون بیاید، روی آن خاک بریزد. اگر از او تعریف کردند بخورد که در آن صورت می‌خشکد.

انسان باید در رضای خدا دفن و پنهان شود. اعمال انسان، خدمات بیرون نیاید. انسان باید عمل صالح و خدمت خودش را دفن کند. به دیگران فرض نشدن. شاخه‌ای او هستند؛ نباید بگذارد کسی این ریشه‌ها را ببیند؛ نباید اجازه دهد این ریشه‌ها نور ببینند و آفتاب به آن‌ها برخورد کند.

انسان باید در رضای خدا انجام دهد و در زیر خاک پنهان شود. انسان باید از خاک بماند و پنهان باشد. نباید آن‌ها را آشکار کند. آنچه بیرون آمدنش خطری ندارد و باید آشکار شود، شاخه‌ها و برگ‌های درخت است. آن‌ها نباید زیر خاک بماند؛ باید ابراز شود. توحید انسان، نفی شرک انسان، صدکفر بودن انسان، شاخ و برگ او است. اگر کسی در حج بگوید: «من در دلم مرگ بر آمریکا می‌گویم و از مشرکان برائت می‌جویم»، با این کار شاخه را زیر خاک کرده و درخت خفه می‌شود. شاخه باید بیرون بیاید. شاخه‌ها و برگ‌های درخت است. آن‌ها نباید زیر خاک بماند؛ باید صدای بلند و بر منارهای جهان گفته شود نه در پستوی خانه! در دوره شاه، افرادی بودند که برای پادشاه اسلام! دعا می‌کردند و بعد می‌گفتند: «منظورمان امام زمان(عج) بود»!

همان‌طوری که اگر ریشه بیرون بیاید برای درخت مضر است، اگر شاخه هم زیر خاک برود مضر است. نباید هیچ سقفی روی شاخه باشد. نه تنها زیر خاک نباشد که زیر سقف هم نباشد؛ زیر پوشش هیچ قدرتی نباشد. درختی دیدم که زیر سقف اتاق و سایه‌بان نیست. کشورهایی که زیر یوغ و زیر سلطه آمریکا هستند، کشورشان سقف دارد است؛ این‌ها زیر سقف زندگی می‌کنند؛ این‌ها آدم نمی‌شوند! روح پیدا نمی‌کنند و انسانیت آن‌ها طلوع نمی‌کند.

برگرفته از کتاب «تمثیلات تربیتی اخلاقی»، جلد اول، ص ۷۳

دیدگاه

محمود کریمی در گفت‌وگو با KHAMENEI.IR:

هیئت در جهاد امروز باید در خدمت مردم باشد

دیدار اخیر رهبر انقلاب با جمعی از مداحان یکی از دیدارهای پرمضمون چند ماه اخیر بود. بررسی سیره عملی حضرت زهرا(س)، نقش هیئت‌ها و مداحان در جهاد تبیین و بایسته‌های مداحی و هیئت از محورهای مهم این دیدار بودند. پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR برای بررسی دقیق‌تر این محورها به گفت‌وگو با حاج‌محمود کریمی، مداح اهل‌بیت(ع) پرداخته است. گزیده‌ای از این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

■ **رهبر انقلاب در جمله معناداری فرمودند هر تلاشی جهاد نیست. جهاد، تلاشی است که در نسبت با دشمن تعریف می‌شود. در چنین فضایی هیئت باید در چه مختصات و راستایی حرکت کند که تلاشش در زمینه مودت اهل‌بیت(ع) در زمره جهاد محسوب شود؟**

خلاصه جهاد این است دشمن را هدف بگیریم. خب، هر کدام از ما هر جایی می‌توانیم به مقابله با دشمن بپردازیم، ولی گرا آقا این قدر دشمن دشمن می‌کنند؟ چرا فکر نکنیم همه دشمن ما هستند؟ چرا فکر نکنیم؟ ببینید، جنگ نرم مثل جنگ سخت نیست، بلکه خیلی سخت‌تر است. به خاطر همین، آقا در این دیدار خیلی حساسیت به خرج می‌دهند. البته ما هم در حوزه جهاد داریم کارهایی در هیئت انجام می‌دهیم. نمونه‌اش محرومیت‌زدایی است. الان بعضی از آقایان و خانم‌های فعال صنعتی، اقتصادی و فرهنگی را به جلسات خودمان دعوت می‌کنیم و از آن‌ها کمک می‌گیریم و کار می‌کنیم.

■ **هیئت شما در کنار گلزار شهدای امامزاده علی‌اکبر(ع) جیرود در محضر ۶۶۰ شهید قرار دارد. این فضای معطر به جهاد و شهادت چه تأثیری روی فضا و فرهنگ هیئت شما گذاشته است؟**

هیئت رایه‌العباس (هیئت رزمندگان منطقه شمیرانات)، پس از شهادت شهدای هشت سال دفاع مقدس به‌وجود آمد. شهدا زاییده هیئت‌اند و همان‌طور که حضرت آقا فرمودند هیئت شهیدپرور است. در همین هیئت کسی بود که پس از تمام‌شدن مجلس، حسینیه را جارو می‌زد. پس از شهادتش، فهمیدیم مصطفی احمدی‌روشن، از دانشمندان هسته‌ای است. الان هم در همین گلزار شهدای جیرود دفن است. خب، این یعنی من آن‌ها را شهید کردم؟! نه! این همان هندسه است که شهید از هیئت بیرون می‌آید. بعد یک مداح خوب از دل شهید بیرون می‌آید. من روضه‌خوان در جایگاه خودم هم در دامان دو شهید بزرگ شدم. ما میهمان این شهدا هستیم و آن‌ها روی ما تأثیر می‌گذارند و کار خودشان را انجام می‌دهند. به لطف امام حسین(ع)، این شهدا خیلی به ما لطف می‌کنند. یک جایی از برکت شهدا جلوگیری می‌شود که از خطا رفتن ماست. کسی در گوش آن‌ها نخوانده بود. آن‌ها یک جمله را از حضرت امام یا حضرت آقا شنیدند، درک کردند و رفتند. نایستادند که بهشان گفته شود. سیدحسن نصرالله می‌گوید ما دقت می‌کنیم ببینیم نظر آقا به چیست، آن را برای خودمان فرض می‌دانیم، نمی‌ایستیم که ایشان دستور بدهند.

■ **شما یک مداح و هیئتی مورد اقبال دیگران هستید که عقبه اجتماعی هم دارید؛ چرا زمینه‌های فعالیتتان را از حوزه کودک تا محرومیت‌زدایی و جمع‌کردن هزینه مالی زندانیان نیازمند و تأمین جهیزیه تکثیر، متعدد و گسترده می‌کنید؟ این اقدامات چه ربطی به هیئت دارد؟**

خب، آقای حاج‌قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس چکار داشت به مسجد ساختن در دهات؟! چکار داشت به حسینیه راه‌انداختن؟! چکار داشت به سیل؟! به شما چه ربطی دارد؟! من نکنم، کی بکند؟ شما انجام می‌دهید؟! بفرمایید این کار را بروید انجام بدهید! آتش به‌اختیار یعنی این دیگر.

■ **یکی از پرغلاماس می‌گفت در فتنه ۸۸ تنها قشری که مردودی نداشتند، هیئتی‌ها و مداح‌ها بودند. الان همین هیئت رایه‌العباس شهید مدافع حرم، شهید مدافع امنیت، شهید مرزبانی ناجا و شهید هسته‌ای دارد. در رایه‌العباس چه کارهایی می‌کنید و چه کارهایی هم نمی‌کنید که سر برنگاه‌های سیاسی و خط‌کشی‌های مشخص با دشمن، سریلند بیرون آمده‌اید؟**

من خودم عددی نیستم، ولی اگر من حواسم باشد، دوستان من هم باید حواسشان باشد. من نگاه می‌کنم آقا امام زمان روحی‌فداه از من چه می‌خواهد. دستوراتی دارند که مشخص است. یک جاهایی هم به مسائل روز می‌رسم. من وظیفه‌ام را انجام می‌دهم. ممکن است خیلی‌ها خوششان نیاید، خیلی‌ها هم خوششان بیاید. نه از خوش‌آمدن یک عده خوشحال می‌شوم و نه از بد آمدن یک عده ناراحت. باید به وظیفه خودمان عمل کنیم. هر کس به وظیفه‌اش عمل کند امام حسین(ع) او را جلو می‌برد. فرهنگ هیئت این است.

شما بعضی از کارهایی که ما داریم انجام می‌دهیم، درظاهر در حوزه کار ما نباشد؛ چون کسی آن بار را برنمی‌دارد ما باید برداریم. اما چرا مجموعه هیئت‌ها تا حالا مردودی و رفوزه نداده؟ برای اینکه به امام حسین(ع) وصل است. کسی که برای امام حسین(ع) می‌آید، ذهن و دلش هم مال امام حسین(ع) است. وقتی دلش مال امام حسین(ع) باشد، جرا فکر کند به‌طرف امام حسین(ع) می‌خواهد تیری برود، می‌گوید این دفعه ما نمی‌گذاریم.

انقلاب از کجاها قدرت پیدا کرد؟ زمان انقلاب من در مسجدالمهدی شاهین‌شهر این نوحه را می‌خواندم:

حسین سربازه دین بود
عاقبت حق طلبی این بود

من آن موقع ۱۰ ساله بودم. من و پدرم را گرفتند و بردند. رئیس باسگاه یک چک به من زد و گفت بچه این شعر را کی یادت داده؟ گفتم پدرم. پدرم را هم زد. فهمیدم این شعر تیر است. چرا برای بقیه نوحه‌ها کتک نخوردم؟ معلوم بود یک کاری کرده است. تازه فهمیدم زور هیئت چقدر است، چرا هیئت‌ها را نشانه‌گیری می‌کنند، چرا پیش از محرم شروع به تحلیل می‌کنند.

ما کاری را که باید انجام دهیم، انجام می‌دهیم. ما کاری که وظیفه‌مان باشد، باری از دوش مردم برداریم، انجام می‌دهیم. اگر قرار باشد خودمان هم فدا شویم که این مملکت سفت، محکم، مقتدر و باعزت بماند، شک نمی‌کنیم و خودمان را فدا می‌کنیم.

■ **گفت‌وگو را با حاج‌قاسم سلیمانی تمام کنیم. ایشان به هیئت شما می‌آمد و ارتباطاتی با هم داشتید. درپس ذهن حاج‌محمود کریمی نسبت به این شخصیت چه می‌گذرد؟**

حاج‌قاسم الان هست، باور کن! هر کسی از ظرّ خودش یار حاج‌قاسم شده است. او بنده خالصی بود. خدمت کسی می‌آمد، بغل منبر می‌نشست. کلاً این قسمت را فیلم‌برداری نمی‌کردیم. یا اگر نمی‌رسید، بعدازظهرها طبقه همین بالای حسینیه می‌آمد و روضه را گوش می‌کرد، بعد با موتور می‌رفت. در روضه هم عین بچه‌مردم‌ها اشک می‌ریخت.

بعضی مواقع فرصت نمی‌شود بعضی از بچه‌هایمان بنشینند پای روضه و همه‌اش در رفت‌وآمدند. من خودم نذر روضه داشتم و ساعت ۵-۶ روضه را با این بچه‌ها و خانواده‌ام شروع می‌کردم. ایشان هم با خانواده‌شان می‌آمد، این روضه‌اش را گوش می‌کرد، بعد هم که می‌خواست برود، می‌نشست بند کفش نوه‌هایش را می‌بست. این را من خودم بارها دیدم. حاج‌قاسم فوق تصور ما دست‌نیافتنی بود. واقعاً شهید بود، ما نفهمیدیم.

دکتر روح‌الامین سعیدی از «منطق ستیز با استکبار» می‌گوید

استکبارستیزی از تعالیم انبیا تا تجربه میدانی

دغدغه من این بود در صورتی که مفاهیم انقلاب اسلامی از جمله استکبارستیزی به‌خصوص برای نسل جوان که بالاخره انقلاب و امام را درک نکرده‌اند، مورد بازخوانی، بازتولید و پالایش قرار نگیرد و منطق آن با استدلال درست و مبتنی بر تجربیات درست ارائه نشود، رفته‌رفته توسط مفاهیم گفتمان رقیب دچار چالش شده و مشروعیت خود را از دست خواهد داد.

مریوان

محسن فاطمی‌نژاد | «پالایش، صیقل دائمی و بازتولید گفتمان‌ها برای جلوگیری از حاشیه‌نشینی و بقای آن لازم و ضروری است.

بی‌شک گفتمان انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. یکی از مهم‌ترین مفاهیم گفتمان انقلاب، مفهوم «استکبارستیزی» است که در ارتباط تنگاتنگ و معنادار با سایر مفاهیم مانند آزادی، عدالت، استقلال، جهاد، ایثار و شهادت یک منظومه کامل گفتمانی را هویت و معنا می‌بخشد. اهمیت استکبارستیزی از آن نظر است که جزو ارکان اصلی فلسفه نهضت امام خمینی(ره) محسوب می‌شود و بنابراین همواره در صدر اهداف و آرمان‌های رهبران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی قرار داشته است. به همین خاطر تبیین، غبارزدایی و بازتفسیر این مفهوم بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد و به‌خصوص می‌تواند برطرف‌کننده شبهاتی باشد که امروزه در اذهان برخی از آحاد جامعه به‌ویژه نسل جوان وجود دارد. از جمله اینکه چرا با وجود تحمل فشارهای سیاسی و اقتصادی فراوان، در سالیان گذشته همچنان بر راهبرد تخاصم با ایالات متحده آمریکا پافشاری نموده و برای عادی‌سازی روابط خود با ابرقدرت جهانی اقدام نکرده‌ایم؟» این بخش از کتاب «منطق ستیز با استکبار» به روشنی دلیل اینکه به سراغ نویسنده‌اش یعنی دکتر روح‌الامین سعیدی، استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق(ع) برای گفت‌وگو رفته‌ایم را مشخص می‌کند؛ اینکه چرا باید به طور مداوم به اکاوی و بازخوانی مفاهیمی چون «استکبارستیزی» پرداخت که به تعبیری صفت ذات انقلاب و جزو مفاهیم مُقوّم ماهیت آن است. واکاوی چرایی و چگونگی استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان مسئله محوری این کتاب، آن هم در حالی که در ساحت ذهن جامعه ایرانی به صورت مداوم در رفت و برگشت نسبت به مسئله مذاکرات هسته‌ای به‌خصوص در یک دهه اخیر بوده است، نشان می‌دهد کتاب از حیث مسئله‌شناسی، راهش را درست پیموده است.

■ **اگر اشتباه نکنم نخستین یادداشت‌ها و مقالات شما با موضوع این کتاب یعنی «استکبارستیزی» به سال ۸۸ برمی‌گردد؟**

بله فکر می‌کنم در همان سال‌ها بوده است.

■ **به این ترتیب، فارغ از بحث خود کتاب، چه ضرورتی را برای پرداختن به چنین مسئله‌ای در آن مقطع احساس کرده بودید که دست به قلم شدید و به آن پرداختید؟ در وهله بعد چه شد ایده یادداشت‌ها و مقالاتتان را گسترش دادید و از آن تبدیل به کتاب کردید؟ قسمت دوم سؤال را از این جهت می‌پرسم که در یک دهه اخیر هر چه جلوتر آمدیم بحث مذاکرات برنگ‌تر شد و به موازات آن شاید ضرورت پرداختن به «منطق ستیز با استکبار» که عنوان کتاب شما نیز هست، بیش از پیش احساس شد.**

همان‌طور که گفتید از خیلی وقت پیش دغدغه کتاب در ذهن من بود و مدت‌ها پیش نیز کار کتاب تمام شده بود ولی به دلایلی به‌خصوص وضعیت چاپ و نشر، کار انتشار کتاب تا به الان طول کشید یا وجود این، انتشارش در این مقطع، مناسبت خوبی داشت. با همه این‌ها، در همان زمان‌ها یعنی دوران حاکمیت اصلاحات و هم پس از آن که منجر به فتنه ۸۸ شد، استنباط من این بود که بالاخره جریان غرب‌گرا در داخل کشور برای استحاله و شالوده‌شکنی مفاهیم گفتمان انقلاب اسلامی تلاش می‌کند و می‌خواهد از مفاهیمی چون استقلال و استکبارستیزی در ذهن جامعه مشروعیت‌زدایی کند؛ مفاهیمی که به تعبیری شالوده انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.

طبیعی است مسئله «استکبارستیزی» چون با جنبه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ارتباط پیدا می‌کند، بسیار اهمیت دارد و هم در هشت سال ریاست جمهوری اصلاحات و حتی پیش از آن در دوران کارگزاران شاهد بودیم برای کمرنگ‌تر کردن این بعد از استکبارستیزی جمهوری اسلامی ایران و عادی‌سازی روابط با کشورهای غربی تلاش‌های فراوانی شد؛ البته افت و خیزهای زیادی نیز داشت، حتی در دوران آقای احمدی‌نژاد نیز با اینکه جریان اصلاحات در قدرت نبود، اما به عنوان جریان اپوزیسیون خیلی تلاش کرد این اتفاق صورت بگیرد و در جریان مذاکرات هسته‌ای که از دهه ۸۰ شروع شد نیاز این بحث‌ها بود تا اینکه به دولت آقای روحانی منتهی شد. بنابراین دغدغه من بود درصورتی که مفاهیم انقلاب اسلامی از جمله استکبارستیزی مخصوصاً برای نسل جوان که بالاخره انقلاب و امام را درک نکرده‌اند، مورد بازخوانی، بازتولید و پالایش قرار نگیرد و منطق آن با استدلال درست و مبتنی بر تجربیات درست ارائه نشود، رفته‌رفته توسط مفاهیم گفتمان رقیب دچار چالش شده و مشروعیت خود را از دست خواهد داد. انگیزه نوشتن کتاب یا آن یادداشت در آن برهه، با درنظر داشتن اتفاقاتی که در برجام افتاده بود و منجر به چند بار بازنویسی کتاب شد، همین مسئله بود که باید یک از مفاهیم مهم انقلاب که به‌شدت مورد هجمه قرار گرفته بود و رفته‌رفته قرار گیرد؛ حتی بنده اعتقاد دارم یکی از اهداف برجام این بود که پس از رسیدن به توافق هسته‌ای با کشورهای غربی، رفته‌رفته همان طور که در قالب برجام ۲ و برجام ۳ از آن صحبت می‌شد، این جریان عادی‌سازی روابط با بلوک استکباریه یک رویه تبدیل شده و دیگر به طور کامل از استکبارستیزی مشروعیت‌زدایی شود. اگر چنین اتفاقی می‌افتاد و برجام نتیجه می‌داد و منجر به توافق‌های مشابه می‌شد، چه بسا سردادن شعارهایی چون «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر استکبار» در داخل جامعه ایرانی به این راحتی نبود و ممکن بود استحاله شود ولی به هر ترتیب اتفاقات دیگری افتاد. به‌واسطه همین اتفاقات بود که منطق ستیز با استکبار خود را نشان داد. یکی از چیزهایی که من بر آن تأکید کرده بودم تجربیات میدانی بود که نشان می‌داد این شعار صرفاً شعار نیست بلکه کاملاً منطقی و برخاسته از تجربیات میدانی است و همچنان می‌تواند سلوحه سیاست خارجی ما قرار گیرد.

■ **در بحث منطق‌پذیری این گزاره، دوست دارم این را از شما بپرسم که آیا می‌شود این انگاره را در محاسبات «تحول در ریاضیات، مبنای تحول در علوم انسانی» در مورد گزاره «برد-برد» آقای روحانی می‌گفت از «نظریه بازی‌ها» در ریاضیات اتخاذ شده ولی اتخاذ آن برای حکومت اسلامی معنر به نتیجه‌ای که آقای روحانی روی آن تأکید داشت (یعنی برد-برد) نخواهد شد و باید با توسیع ریاضیات امروزی، نظریه جدیدی تولید کرد و در آن، اعداد جدیدی تعریف کرد که مؤلفه‌هایی چون منطقی که شما در خصوص آن کتاب نوشته‌اید بتوانند در دستگاه محاسباتی ما داخلت داده شوند. به طور کلی صحبت از منطق‌پذیرتر کردن این گزاره صرفاً در سطح شکل گرفتن یک اقناع است یا اینکه می‌شود آن را به عنوان یک اصل کلی در محاسبات دستگاه سیاست خارجی دخالت داد؟**

این مسئله دو بعد دارد که من به هر دو بعد پرداخته‌ام؛ یکی بعد ایدئولوژیک است که طبیعتاً این گزاره برای کسانی می‌تواند اقناع‌کننده باشد که باورمند به گفتمان انقلاب اسلامی و از آن جدی‌تر و عامتر، باورمند به آموزه‌های اسلام هستند. به تعبیری اگر در پاسخ به این پرسش که چرا ما استکبارستیز هستیم، گفته شود استکبارستیزی یک آموزه قرآنی است که در سیره پیغمبر و اهل بیت(ع) دیده می‌شود و یک مشی جاودانه الهی از آغاز تا پایان تاریخ است، بالطبع این جنس اقناع متعلق به کسانی است که باورمند به آموزه‌های اسلام و انقلاب هستند. برای طیف دیگری که باورمند به این آموزه‌ها نیستند، من به تجربیات میدانی تاریخی تأکید داشتم که به این مسئله در فصول اول کتاب پرداخته و به تاریخ استعمار در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین اشاره کرده‌ام و معتقدم تجربه استعمار به خودی خود یک تجربه گویاست که نشان می‌دهد استکبارستیزی در مقابله با استعمار یا امپریالیسم منطق دارد و تمام نشده است.

امپریالیسم منطق دارد و تمام نیز نشده است. به این خاطر که ما الان جریان neocolonialism به معنای استعمار نوین را داریم که به شکل‌های دیگر در حال ادامه پیدا کردن است و چیزی نیست که ما گفته باشیم بلکه ادبیات آن در خود غرب موجود است. پس هم تجربه و روابط بین‌الملل در قالب استعمار و پساستعمار این را به ما می‌گوید و این منطق را اثبات می‌کند و هم تاریخ خود ایران؛ که من این را نیز به صورت مفصل در کتاب آورده‌ام. پس هم استکبارستیزی اساس تجربیات میدانی نشان دهم استکبارستیزی چه منطقی داشته و چه اتفاقاتی در طول تاریخ افتاده که منجر شده ملت ایران رویکرد ضداستکباری داشته باشد. اتفاقاً تجربه تاریخی، این موضوع را ثابت می‌کند. حالا اگر این‌ها در یک نقطه‌ای منقطع شده بود می‌گفتیم باید از تاریخ عبور کرد چرا که خیلی از اگره به قرآن مراجعه کنید در مواجهه انبیا با جریان‌های مقابل خودشان کاملاً یک رویکرد ضداستکباری استکباری آمریکا و اروپا یا ما که تا الان خودش را نشان می‌دهد می‌تواند تجربه میدانی کاملاً اثبات‌کننده این منطق ستیز باشد؛ منطقی که بخواهد منافع ملی ما را از رهگذر ارتباط با اروپا، آمریکا و کشورهای غربی که ما آن‌ها را به عنوان مستکبر می‌شناسیم، تأمین کند...به هر حال یک منطق رئالیستی است یعنی ما به دنبال تأمین منافع ملی هستیم و حالا در بستر تاریخی باید دید آیا این منافع تأمین شده است یا خیر؟ من تلاش کردم بر اساس واقعیات میدانی، این منطق را به اثبات برسانم.

■ **در حاشیه بحث معادل‌یابی برای واژه استکبار در ادبیات علوم سیاسی که در یکی از فصول کتاب نیز به آن اشاره کرده بودید، دوست دارم بدانم چه کسی اولین بار از این واژه در ادبیات سیاسی استفاده کرده است؟**

پاسخ به این پرسش که چه کسی نخستین بار این را مطرح کرده، کمی سخت است ولی به طور کلی معادلی که برای استکبار در ادبیات روابط بین‌الملل پیدا می‌شود، «امپریالیسم» است. دیده‌ام خیلی از مترجمان در ترجمه این واژه به انگلیسی از «arrogance» استفاده می‌کنند که به معنای نخوت و تکبر است و مثلاً وقتی می‌خواهند بگویند ضداستکبار از Anti-arrogance استفاده می‌کنند در حالی که برای انگلیسی‌زبان‌ها درک چنین معنایی از این ترکیب چندان توجیه‌پذیر نیست و این معنا را درک نمی‌کنند و آن را سیاسی نمی‌دانند. اگر معادل سیاسی این ترکیب را Anti-imperialism در نظر بگیریم بسیار نزدیک‌تر است چرا که اگر ویژگی‌های امپریالیسم را در ادبیات علوم سیاسی و کتاب‌های پایه علوم سیاسی نگاه کنیم، همان چیزی است که به عنوان استکبار مدنظر داریم. یعنی دولتی به صورت زورمدارانه به منابع کشورهای دیگر دست‌درازی کند و بخواهد این‌ها را به این صورت در کنترل خودش بگیرد. بنابراین معادل واژه استکبار در علوم سیاسی «امپریالیسم» می‌شود.

■ **شما در مقاله خود به‌صراحت ذکر می‌کنید این مفهوم، مقوم ذات انقلاب است در ادامه به رابطه این مسئله با سنت‌های تاریخی قرآن کریم اشاره داشتید. این نگاه فراتاریخی که شما به مقوله استکبار داشته‌اید، از همین جا نشأت می‌گیرد؟**

یکی از شبهاتی که مطرح است همین است که رویکردهای ضداستکباری جمهوری اسلامی، به خاطر خصومت‌های شخصی رهبران انقلاب با آمریکاست. مثلاً می‌گویند آیت‌الله خامنه‌ای با آن یک آدم ضدآمریکایی است که حتی در قضیه واکسن هم جلو واکسن آمریکایی را می‌گیرد. در این شبهه این طور القا می‌شود که رهبران انقلاب اسلامی از حضرت امام گرفته تا آیت‌الله خامنه‌ای به لحاظ شخصیتی، آدم ضدآمریکایی هستند و این رویکرد استکبارستیزی ترجمان مواضع شخصی این افراد است. در حالی که خود حضرت آقا صراحتاً می‌گویند این نیست و اگر ما می‌گوییم آمریکا استکبار هستیم به خاطر این است که آمریکا مصداق استکبار است و این استکبارستیزی نه چیزی برآمده از ذهن و زبان ما بلکه ریشه در آموزه‌های اسلامی و ریشه در تعالیم انبیا دارد. بعد شما می‌آیید و این کلمه را حتی بارها و بارها در قرآن مشاهده می‌کنید. پیامبران الهی نیز مقابل مستکبران ایستاده‌اند، رویاروی حضرت موسی(ع) با فرعون، رویارویی حضرت ابراهیم(ع) و سایر انبیا تا خود حضرت رسول(ص) و پس از ایشان و تمام این‌ها در قالب رویارویی تاریخی جبهه حق با جبهه باطل با مستکبران تعریف می‌شود که آموزه‌های متعدد قرآنی برای آن در سوره‌های مختلف قرآن و سیره انبیای الهی و اهل بیت(ع) داریم. بنابراین اهمیتش از این نظر است که از این شبهه که تأکید دارد القا کند استکبارستیزی سلیقه شخصی رهبران است و جنس مقابله رهبران ایران با مقوله استکبار از جنس مقابله رؤسای جمهور آمریکا با شوروی بوده است و دارند یک مسئله شخصی را به جامعه حقنه می‌کنند اعتبارزدایی می‌کند. در حالی که این مسئله خیلی فراتر از این‌هاست و ریشه در آموزه‌های اسلام دارد.

■ **شاید مبنای تحریف‌ناپذیری مواضع امامین انقلاب در مقولاتی چون استکبارستیزی یا مقابله با آمریکا همین باشد. در این سال‌ها و به‌خصوص از سال ۸۸ به بعد سعی شد این گونه القا شود که امام مخالف شعار مرگ بر آمریکا بود. اگر چنین نگاه فراتاریخی درک نشود و جهان‌بینی آن‌ها مورد تحلیل قرار نگیرد، چه بسا بخشی از جامعه نیز این تحریف را باور کند. دست‌کم تجربه اوایل دهه ۹۰ همین را می‌گوید. نظر شما در این خصوص چیست؟**

نکته کاملاً درستی است به خصوص اگر بخواهیم نگاهی به مواضع دیگر کشورها داشته باشیم. ممکن است برای نسل جوان سؤال پیش بیاید که مثلاً کشور همسایه ما، ترکیه یا همین عربستان و امارات روابطش با آمریکا و رژیم اسرائیل عادی‌سازی کرده و واقعیات نظام بین‌الملل را پذیرفته‌اند و چرا ما این کار را نکنیم؟ در این خصوص نکته شما کاملاً درست است که اگر مبانی فکری‌اش درک نشود که این‌ها برخاسته از ایدئولوژی انقلاب اسلامی است همان‌طور که تمام کارهایی که کشورهای غربی مبتنی بر ایدئولوژی خودشان می‌کنند، بالطبع این شبهات به وجود می‌آید و برخی نیز با نقل خاطرات مجعول از حضرت امام می‌آیند و می‌گویند امام مخالف بود و چنین و چنان و می‌خواهند قضیه را عادی‌سازی کنند. واقعاً این نیست و اگر در ادبیات حضرت امام و ادبیات رهبری ببینید، می‌فهمید این مسئله واقعاً یک مسئله عمیق است و به تقابل‌های عمیق فکری و هویتی و نه مسائل ساده عرصه سیاست خارجی برمی‌گردد که ممکن است امروز به شکلی باشد و فردا تغییر کند. تقابل کاملاً تقابل‌های فکری است و حضرت آقا نیز بسیار تأکید کرده‌اند که خصومت‌ها این ماجرا، موضوعیت این طوری ندارد بلکه ما با آمریکا تقابل داریم چرا که استکباری است و اگر رفتارش را تغییر دهد و رویکردش دگرگون شود، ما نیز رفتارمان را تغییر خواهیم دارد چرا که مصداقش دیگر به آن موضوع، صدق نمی‌کند. در عین حال می‌گویند مادامی که این رابطه این مفهوم و مصداق را دارد، ما آمریکاستیز هستیم چرا که آمریکا را مصداق استکبار می‌دانیم. بنابراین بله، اگر این‌ها تبیین نشود این شبهات به‌وجود می‌آید کما اینکه ما امروز آن را در سطح جامعه می‌بینیم. تلاش من در این کتاب به حد بضاعتم تبیین همین مسئله بر اساس بنیادهای فکری‌اش بود.

عکس‌نوشت

زیارت خانوادگی

عکس: مهدی جهانگیری

پارسا نیکوکار | همین تصویر پرتکرار در حرم مطهر خودش گویاست که لازم نیست حتماً از نتایج پژوهش‌ها و پیمایش‌ها خبر داشته باشید که بدانید هنوز هم سه چهارم کسانی که به زیارت امام رضا(ع) می‌روند، دست زن و بچه‌شان را گرفته‌اند و خانواده‌گی به ملاقات آقا مشرف شده‌اند. شاید هم برعکس، یعنی بچه‌ها دست پدر و مادر را گرفته‌اند و آن‌ها را میهمان حضرت کرده‌اند. اگر این سؤال را از همه کسانی از این سنخ که می‌توان با دوربین ازشان عکس گرفت و شکارشان کرد بپرسی حتماً یکی از همان یکی دو نفر اول می‌گویند «همین بچه این‌قدر به ما گفت حرم آقا که بالاخره شال و کلاه کردیم و اومدیم زیارت»، شاید که نه ولی حتماً این کشش به ملاقات با امام(ع) در بچه‌ها به خاطر شیرین‌تر بودن لوح دلشان است، اگرنه «کشش چو نبود از آن سو، چه سود کوشیدن».

نازه‌های نشر

به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه صورت گرفت

کتاب «حمزه‌بن‌عبدالمطلب سیدالشهداء» در بازار نشر

«حمزه‌بن‌عبدالمطلب، سیدالشهداء» از سری آثار همایش بین‌المللی حضرت حمزه به همت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه روانه بازار نشر شد.

به گزارش روابط عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، کتاب «حمزه‌بن‌عبدالمطلب، سیدالشهداء» به قلم دکتر منصور داداش‌نژاد، عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نگاشته شده است.

در چکیده کتاب آمده است: حضرت حمزه بن‌عبدالمطلب از خاندان قریش و عموی رسول خدا(ص) به‌عنوان فردی شجاع، دلیر

الوعد مرض فی الجود و الانجاز دواءه

وعده دادن، آفت بخشندگی است و به وعده عمل کردن، داروی آن.

خبر امروز

بیمارستان رضوی؛ واحد نمونه سال ۱۴۰۰

بیمارستان فوق‌تخصصی رضوی به عنوان واحد نمونه خراسان رضوی در سال ۱۴۰۰ در سی و سومین جشنواره «امتنان» در مشهد معرفی شد و مورد قدردانی قرار گرفت. به گزارش آستان‌نیوز، در آیین پایانی سی و سومین دوره جشنواره امتنان در خراسان رضوی که صبح دیروز در سالن تلاش مجموعه ورزشی کارگران مشهد مقدس برگزار شد، از سوی مهدی مسکنی؛ معاون امور تعاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و حمیدرضا پناه؛ مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی از دکتر محسن محور؛ مدیرعامل بیمارستان فوق تخصصی رضوی با اهدای تندیس و لوح تقدیر جشنواره تجلیل شد. بیمارستان رضوی از جمله مراکز درمانی زیرمجموعه بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی است که در حوزه‌های تشخیصی، درمانی، آموزشی و پژوهشی در رشته‌های مختلف پزشکی فعالیت می‌کند و از آغاز دوران شیوع بیماری کرونا نیز خدمات ارزشمندی به بیماران ارائه کرده است. این بیمارستان در ارزیابی اعتباربخشی ملی بیمارستان‌های کشور در سال ۱۴۰۰ نیز با کسب رتبه «درجه یک عالی» توانسته بود عنوان دومین بیمارستان برتر ایران و میان بیمارستان‌های غیردانشگاهی، مقام نخست را بدست بیاورد.

زائر و زیارت

اجرای طرح کلان «زیارت در ادیان»

اجرای طرح کلان زیارت در ادیان در دستور کار گروه ادیان و مذاهب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی قرار گرفت.

ایزانلو؛ مدیر گروه ادیان و مذاهب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی گفت: این گروه برای دستیابی به مرجعیت بین‌المللی در موضوع زیارت، طرح زیارت در ادیان را یکی از اولویت‌های پژوهشی برنامه سه‌ساله خود قرار داده است.

وی ادامه داد: چون طرح کلان زیارت در ادیان با رویکرد تطبیقی و مسئله‌محور اجرا می‌شود از همین رو بررسی و مطالعه اسناد، طرح‌ها و آثار مرتبط با موضوع زیارت و برگزاری جلسات همفکری با برخی از صاحبنظران و مدیران اجرایی این عرصه انجام شد.

مدیر مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی تشریح کرد

استفاده از موقوفات برای تحقق اقتصاد مقاومتی

گزیده

مهم‌ترین جهت‌گیری‌های این بنیاد در بخش‌های مختلف با رویکرد سرمایه‌گذاری در صنایع دانش‌محور، افزایش سهم تولید و خدمات دانش‌بنیان و همچنین سرمایه‌گذاری و مشارکت در ایجاد خوشه‌های صنعتی در زمینه‌های دارای مزیت نسبی منطقه‌ای و ملی بوده است.

محمد حسین مروج | آستان قدس رضوی از جمله نهادهایی است که همواره سعی کرده با بهره‌وری مناسب از موقوفات و ظرفیت شرکت‌ها، مؤسسه‌ها و کارخانجات زیرمجموعه خود، در کنار عمل به نیات واقفان، گامی سازنده و مؤثر برای تحقق اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی بردارد. «مهندس مهدی جعفرنژاد»، مدیر مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی در گفت‌وگو با ما جزئیات این اقدام‌ها را تشریح کرده است.

■ **آستان قدس رضوی در زمینه اقتصاد مقاومتی چه اقدام‌هایی انجام داده است؟**

آستان قدس رضوی پس از انقلاب و به خصوص در سال‌های اخیر تلاش کرده بر فعالیت‌های اقتصادی در عرصه‌هایی که تضمین‌کننده استقلال کشور است تمرکز داشته باشد، یعنی ضمن همسویی با رویکردهای اقتصادی مد نظر در سطح ملی، با فعال‌سازی ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی خودش، در راستای تقویت توان آفندی و واکنش به مخاطرات و اختلال‌های اقتصادی داخلی و خارجی حرکت کند. به عنوان مثال می‌توان به فعالیت‌های شرکت‌های گروه سلامت بنیاد بهره‌وری موقوفات در دوران کرونا از جمله مشارکت در تولید واکسن فخرا، خرید و توزیع ۶ هزار کیت تشخیص کرونا، تأمین یک میلیون و ۲۰۰ هزار ماسک N95 در کشور و... اشاره کرد.

■ **مصادیق عینی فعالیت در حوزه‌های زیرساختی و یا عمرانی چیست؟**

در این زمینه هم می‌شود به سرمایه‌گذاری در ساخت آزادراه مشهد- چناران، راه‌اندازی خطوط نوسازی اتوبوس در شرکت شهاب خودرو، ساخت راه‌آهن رشت- قزوین و همچنین ساخت کریدور ترانزیتی شهید سردار حاج‌قاسم سلیمانی در منطقه ویژه اقتصادی سرخس که بزرگ‌ترین کریدور ترانزیتی شرق کشور به حساب می‌آید، اشاره کرد.

در حوزه‌های عمرانی و ساختمانی هم به طور خاص می‌توان از شروع پروژه نهضت تولید مسکن به منظور ساخت بیش از ۱۰ هزار واحد مسکونی در سال ۱۴۰۰ با مشارکت بخش خصوصی اشاره کرد که تاکنون قرارداد ساخت حدود ۲ هزار واحد مسکونی منعقد و عملیات اجرایی آن‌ها آغاز شده است.

■ **در زمینه کسب و کارهای نوین و دانش‌بنیان چه؟**

آستان قدس رضوی ورود جدی به این حوزه‌ها داشته است. در این مورد می‌توان به پروژه‌های راه‌اندازی سامانه پایش هوشمند بیمار یا همان سامانه سلامت مهر، دستیابی به رایحه منحصر به فرد عطر رضوی، سامانه خدمات جامع کسب و کار پیشه، طراحی و استقرار نشان طیب، تولید پهپاد، تولید پودر آلومینیوم و تولید ادوات و تجهیزات نیمه‌هادی (MEMS) اشاره کرد. بنیاد بهره‌وری موقوفات همچنین در راستای مسئولیت‌های اجتماعی آستان قدس رضوی برای کمک به ارتقای درآمد و معیشت محرومان، با ایجاد اشتغال از طریق فراهم کردن امکان مشارکت مردم در پروژه‌های اقتصادی، حضور پررنگی در حوزه سرمایه‌گذاری‌های حمایتی و اجتماعی به خصوص در حوزه اشتغال‌زایی در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان و شهر مقدس مشهد داشته است. آستان قدس در این سال‌ها در راستای شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر وقف، با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو، برون‌گرا و دانش‌بنیان تلاش کرده و متناسب با فرصت‌های اقتصادی شکل گرفته بر مبنای دارایی‌ها و امکانات، سعی کرده است دارایی‌های خود را به سمت پروژه‌های اقتصادی که امکان ایجاد اشتغال پایدار و مولد به ویژه در بخش دانش‌آموختگان دانشگاهی در این آستان وجود دارد، سوق دهد.

■ **آیا در سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی هم افق و چشم‌اندازی برای موضوع اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی ترسیم شده است؟**

با توجه به تعیین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در بنیاد بهره‌وری موقوفات که در سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی به آن اشاره شده، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های این بنیاد در بخش‌های مختلف با رویکرد سرمایه‌گذاری در صنایع دانش‌محور، افزایش سهم تولید و خدمات دانش‌بنیان و همچنین سرمایه‌گذاری و مشارکت در ایجاد خوشه‌های صنعتی در زمینه‌های دارای مزیت نسبی منطقه‌ای و ملی بوده است. ترویج گفتمان اقتصاد مقاومتی از طریق ایجاد و اشاعه شاخص‌ها و استانداردهای فراگیر تجاری و الگوسازی فعالیت‌های اقتصادی و عملیاتی بنیاد بهره‌وری موقوفات بر مبنای آن از جمله مواردی است که همیشه در دستور کار آستان قدس رضوی قرار داشته است. همچنین یکی از بندهای سند سیاست‌های کلان آستان قدس رضوی که به بنیاد بهره‌وری موقوفات اختصاص یافته است، کسب مقبولیت عمومی و جذب مشارکت‌های خرد و کلان و نیز توسعه هم‌افزایی با نهادهای انقلاب اسلامی به منظور تأمین مالی و مشارکت در ابرپروژه‌ها و نیز بهره‌مندی از مشارکت کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خوشنام است.

آگهی

باسلام احتراما به استحضار می رسانم آقای مصطفی منصوری بوته گز فرزند عبدالغفار اقدام بطرح دعوی بطرفیت ورثه مرحوم عبدالغفار منصوری نموده و چنین اظهار میدارد که مرحوم مغفور عبدالغفار منصوری بوته گز در مورخه ۹۱،۱،۲ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه منحصر به فرد آن عبارتند از:
۱.عـذرا منصوری بوته گز متولد ۱۳۳۸،۹،۵ به ش ملی ۰۷۴۹۲۴۹۶۴۱ فرزند متوفی ۲.مصطفی منصوری بوته گز متولد ۱۳۴۵،۱،۴ به ش ملی ۰۷۴۹۲۵۰۲۳۲ فرزند متوفی ۳.عبداله منصوری بوته گز متولد ۱۳۴۹،۱،۵ به ش ملی ۰۷۴۹۲۵۰۸۰۱ فرزند متوفی می باشد و به جز اینها وارثی ندارد لذا مراتب فوق طی یک مرحله در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار درج آگهی نموده تا هر کسی نسبت به آن مرحوم ادعایی داشتند و یا وصیتنامه ای دارد ظرف مدت یک ماه پس از نشر این آگهی به شورای حل اختلاف باخرز مراجعه در غیر این صورت گواهی حصر وراثت برابر مقررات قانونی و امور حسبی صادر خواهد شد.آ۱۴۱۱۷۸۵
باتشکر-دبیر ح دو شورای حل اختلاف باخرز
خدادادی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانها فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی درگز تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضای آنان به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان درگز تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.
بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
۱.آقای ابراهیم امیری یاقول فرزند حسن نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۱۳۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای استاد حسن معمار
۲.آقای نیما بابازاده مقدم فرزند محمدعلی ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۵۴/۶۶ مترمربع قسمتی از پلاک ۶۲ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای حسین زارع مهرجردی و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آستان قدس رضوی
۳.آقای اکبر محمودی کاهو فرزند اسمعیل یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۳۶۱/۱۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۷۹ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آستان قدس رضوی
۴.خانم فاطمه شیخ سعدآبادی فرزند غلامرضا یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۱۵۰/۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۷ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آستان قدس رضوی
۵.آقای حسن فدائی فرزند محمود یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۲۷۸/۷۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۳۶ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آستان قدس رضوی
۶.آقای رحمان حاتمیان فرزند براتعلی ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۰۰/۸۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۶۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای یحیی بایسته توتک و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آقای علی محمد کریم آبادی وآستان قدس رضوی
۷.خانم پروین جنگجو فرزند اله قلی ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۱۷/۸۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۶۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای یحیی بایسته توتک و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آستان قدس رضوی
۸.آقای غلامرضا سراوانی فرزند رضا یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل به مساحت ششدانگ ۱۵۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۳۵ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری از مالک رسمی آقای رضا سراوانی و آستان قدس رضوی
۹.آقای مسلم شایسته فرزند یوسف ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۰/۳۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۴۶ فرعی از یک اصلی واقع در اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ مع الواسطه از مالک رسمی آقای محمد رزم جهانی و یک سهم مشاع از ده سهم ششدانگ از آستان قدس رضوی
۱۰.خانم مهین صادقی فرزند آقامیر ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۱۲۸/۴۱ مترمربع قسمتی از پلاک یک فرعی از ۱۸ـ اصلی واقع در مزرعه خیرآباد قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای محمدابراهیم ابوزاده ناوخی
۱۱.آقای اکبر محمودی کاهو فرزند اسمعیل ششدانگ یک باب مغازه و منزل به مساحت ۸۳/۵۸ مترمربع قسمتی از پلاک ۳۰۱ فرعی از ۲۲ـ اصلی واقع در کلاته کوشک شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی شهرداری درگز
۱۲.آقای حسن طاهری فرزند طاهر ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۵۸۴۲/۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک های شمارات ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ و ۴۰ فرعی از ۶۴ـ اصلی واقع در مزرعه شاهگلدی آباد قطعه شش درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای طاهر طاهری
۱۳.آقای جلال یوسفی فرزند یوسف ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۸۴۰/۴۹ مترمربع تمامی پلاک های شمارات ۲۲ و ۲۴ فرعی از ۲۷۷ـ اصلی واقع در قریه تگن قطعه دوازده درگز بخش ۷ قوچان خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای قربان علیزاده آ۱۴۱۱۷۸۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۱۶
ناصرحسن زاده
رییس اداره ثبت اسنادو املاک شهرستان درگز

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرائ اصلاحی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۳۳۷۴ و ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۳۳۷۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمربه ترتیب تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم محسن ظاهری نقابی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۱۲۷۹۷ صادره از کاشمر در سه دانگ مشاع از ششدانگ اعیان یکباب ساختمان و مهدی ظاهری نقابی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۱۳۷ صادره از کاشمر در سه دانگ مشاع از ششدانگ اعیان یک باب ساختمان به مساحت ۳۵/۵۰متر مربع از پلاک ۵۱۲۱فرعی از ۳۰۲۶ اصلی واقع در بخش یک حومه کاشمر به آدرس بلوار شاهد بین شاهد ۶ و ۸ خریداری از مالک رسمی آقای/ خانم اداره اوقاف نسبت به عرصه و غلام حسین احوالی دوم نسبت به اعیان محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نماید بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ۱۴۱۱۷۸۳ تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۰/۱۲/۰۱
احمد جهانگیر
قائم مقام رئیس واحد ثبتی

آگهی نوبتی سه ماهه سوم سال ۱۴۰۰ حوزه ثبت ملک شهرستان درگـز

بر اساس مواد ۱۱ (اصلاحی ۱۳۱۷/۰۷/۱۰) و ۱۲ (اصلاحی ۱۳۳۰/۰۳/۱۰) قانون ثبت و ماده ۵۹ آئین نامه اجرایی قانون مذکور املاکی که در سه ماهه سوم سال ۱۴۰۰ پذیرش درخواست ثبت شده و همچنین املاکی که طبق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و آیین نامه مربوطه در هیات حل اختلاف منجر به صدور رای گردیده به شرح ذیل برای اطلاع عموم آگهی می گردد.
پلاک یک اصلی اطراف شهر درگز قطعه سه درگز بخش ۷ قوچان
۱. پلاک ۵۱۹۸ فرعی مجزی شده از ۲۳۵ فرعی از یک اصلی آقای غلامرضا سراوانی نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ششدانگ ۱۵۱ متر مربع
۲. پلاک ۵۲۰۷ فرعی مجزی شده از ۷۹ فرعی از یک اصلی آقای اکبر محمودی کاهو نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ششدانگ ۳۶۱/۱۸ متر مربع
۳. پلاک ۵۲۱۰ فرعی مجزی شده از ۱۰۷ فرعی از یک اصلی خانم فاطمه شیخ سعدآبادی نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ششدانگ ۱۵۰/۰۵ متر مربع
۴. پلاک ۵۲۱۱ فرعی مجزی شده از ۱۳۶ فرعی از یک اصلی آقای حسن فدائی نه سهم مشاع از ده سهم ششدانگ یک باب منزل مسکونی به مساحت ششدانگ ۲۷۸/۷۴ متر مربع
پلاک ۳۵ ـ اصلی بند و جوی دامنه گلریز قطعه ۳ درگز بخش ۷ قوچان
۵. پلاک ۴۹ فرعی مجزی شده از ۳۵ـ اصلی خانم ام البنین خباز ششدانگ عرصه یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۱۶/۸۲ مترمربع (ششدانگ بند و جوی دامنه گلریز به انضمام عرصه چهل و نه قطعه باغات و محوطه جات ازشماره یک تا شماره چهل و نه به شرح دفتر توزیع اظهارنامه با تصدیق حقابه برای مالکین اعیانی قطعات بالا درمقابل پرداخت عشر منافع همه ساله در قبال دریافت عشر درآمد آب باراضی باغات مادامیکه دارای اعیان باشد از طرف آستان قدس داده خواهد شد از سوی آستان قدس رضوی تقاضای ثبت گردیده است آگهی نوبتی در تاریخ ۱۳۱۹/۰۹/۲۳ در جراید وقت منتشر گردیده است. با این توضیح که پلاک ۴۹ فرعی از ۳۵ـ اصلی در انتشار آگهی نوبتی اراضی فوق از قلم افتاده است. ضمن اینکه عرصه پلاک ۴۹ فرعی مزبور با نقل و انتقالاتی نهایتاً برابر سند رسمی شماره ۲۲۴۶۷ ـ ۱۳۵۵/۹/۱۴ دفترخانه ۱۹ درگز به خانم ام البنین خباز انتقال قطعی گردیده است.
پلاک ۴۰ ـ اصلی بند و جوی آسیای چقر قطعه ۳ درگز بخش ۷ قوچان
۶. پلاک ۲۰ فرعی مجزی شده از ۴۰ـ اصلی آقای علی خان نوبهاری ششدانگ اعیان یک قطعه زمین (توضیح اینکه مورد تقاضا از سوی آستان قدس رضوی تقاضای ثبت گردیده و سپس مورد ثبت به آقای علی خان نوبهاری انتقال و در نهایت مورد تقاضا برابر اسناد شمارات ۳۰۹۰۷ و ۳۰۹۰۸ مورخه ۱۳۸۴/۰۴/۲۹ دفتر ۲۰ درگز به آقای بهروز ضروری انتقال قطعی گردیده و نامبرده فوت نموده و برابر گواهی انحصار وراثت شماره ۲۱۷۴ مورخه ۱۳۹۹/۰۸/۲۴ شعبه ۳۱۲ شورای حل اختلاف مشهد وراث حین الفوت وی عبارتند از : آقایان ۱ـ شهاب ۲ـ شهروز ۳ـ شهریار و خانمها ۴ـ شبنم شهرت همگی ضروری فرزندان متوفی و ۵ـ خانم شهین خواجه زاده نوخندان همسر متوفی می باشد که مورد ثبت در تصرف و مورد تقاضای نامبردگان می باشد).
پلاک ۹۴ـ اصلی قریه اوتانلو قطعه شش درگز بخش ۷ قوچان
۱. پلاک ۷۶ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم حدیثه جعفری اوتانلو نسبت به ۴۵۴/۵۲ سهم مشاع از ۹۴۶۸/۷۴ سهم ششدانگ یک قطعه محوطه مشتمل بر چند باب منزل و زمین زراعی به مساحت ششدانگ ۹۴۶۸/۷۴ مترمربع
۲. پلاک ۷۶ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم آذر جعفری اوتانلو نسبت به ۳۰۲/۲۶ سهم مشاع از ۹۴۶۸/۷۴ سهم ششدانگیک قطعه محوطه مشتمل بر چند باب منزل و زمین زراعی به مساحت ششدانگ ۹۴۶۸/۷۴ مترمربع
۳. پلاک ۷۶ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو نسبت به ۳۰۲/۲۶ سهم مشاع از ۹۴۶۸/۷۴ سهم ششدانگ یک قطعه محوطه مشتمل بر چند باب منزل و زمین زراعی به مساحت ششدانگ ۹۴۶۸/۷۴ مترمربع
۴. پلاک ۸۴ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی آقای برزو جعفری اوتانلو نسبت به دو سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۱۵۰۴۴/۰۱ مترمربع
۵. پلاک ۸۴ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم حدیثه جعفری اوتانلو نسبت به دو سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۱۵۰۴۴/۰۱ مترمربع
۶. پلاک ۸۴ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو (نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۱۵۰۴۴/۰۱ مترمربع
۷. پلاک ۹۰ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی آقای برزو جعفری اوتانلو (نسبت به یازده سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۱۲۳۰۷/۸۷ مترمربع
۸. پلاک ۹۰ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم آذر جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۱۲۳۰۷/۸۷ مترمربع
۹. پلاک ۹۰ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۱۲۳۰۷/۸۷ مترمربع
۱۰. پلاک ۲۳۴ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی آقای برزو جعفری اوتانلو نسبت به شش سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه باغ میمی به مساحت ششدانگ ۱۰۳۹۴/۷۶ مترمربع
۱۱. پلاک ۲۳۴ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم آذر جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه باغ میمی به مساحت ششدانگ ۱۰۳۹۴/۷۶ مترمربع
۱۲. پلاک ۲۳۴ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه باغ میمی به مساحت ششدانگ ۱۰۳۹۴/۷۶ مترمربع
۱۳. پلاک ۲۳۵ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی آقای برزو جعفری اوتانلو نسبت به شش سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۷۵۱۰ مترمربع
۱۴. پلاک ۲۳۵ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم آذر جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۷۵۱۰ مترمربع
۱۵. پلاک ۲۳۵ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۷۵۱۰ مترمربع
۱۶. پلاک ۲۳۶ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی آقای برزو جعفری اوتانلو نسبت به شش سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک حجر طاحونه و زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۸۸۵۴/۷۹ مترمربع
۱۷. پلاک ۲۳۶ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم آذر جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک حجر طاحونه و زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۸۸۵۴/۷۹ مترمربع
۱۸. پلاک ۲۳۶ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یک حجر طاحونه و زمین مزروعی به مساحت ششدانگ ۸۸۵۴/۷۹ مترمربع
۱۹. پلاک ۲۳۷ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی آقای برزو جعفری اوتانلو نسبت به شش سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه باغ میمی به مساحت ششدانگ ۲۷۵۵/۱۹ مترمربع
۲۰. پلاک ۲۳۷ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم آذر جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه باغ میمی به مساحت ششدانگ ۲۷۵۵/۱۹ مترمربع
۲۱. پلاک ۲۳۷ فرعی مجزی شده از ۹۴ـ اصلی خانم خانم جعفری اوتانلو نسبت به یک سهم مشاع از سی سهم ششدانگ یک قطعه باغ میمی به مساحت ششدانگ ۲۷۵۵/۱۹ مترمربع
پلاک ۳۴۵ ـ اصلی شهر درگز قطعه ۲ درگز بخش ۷ قوچان
۲۲. پلاک ۱۴۶۳ فرعی مجزی شده از ۳۴۵ـ اصلی آقای سعید خضرائی سه دانگ مشاع ششدانگ یک قطعه محوطه به مساحت ششدانگ ۳۰۶/۲۳ متر مربع
۲۳. پلاک ۱۴۶۳ فرعی مجزی شده از ۳۴۵ـ اصلی آقای مختار خضرائی سه دانگ مشاع ششدانگ یک قطعه محوطه به مساحت ششدانگ ۳۰۶/۲۳ متر مربع
لذا اشخاصی که نسبت به رقبات درخواست ثبت شده مندرج در این آگهی اعتراضی داشته باشند می توانند به استناد ماده ۱۶ قانون ثبت از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی تا ۹۰ روز درخواست واخواهی خود را کتباً به دبیرخانه اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان درگز تسلیم و رسید اخذ نمایند و یا هرگاه بین متقاضیان و دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوی در مراجع قضایی اقامه شده و یا در جریان باشد معترض بایستی گواهی مشعر بر جریان دعوی خود را تسلیم و رسید دریافت دارند و از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت، ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند ضمناً حقوق ارتفاقی در موقع تحدید حدود و در صورت مجلس تحدیدی قید میگردد و از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی تا ۳۰ روز قابل اعتراض خواهد بود. آ- ۱۴۱۰۴۹۸
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱
ناصر حسن زاده
رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان درگـز

براساس مواد ۱۱ (اصلاحی

(۱۳۱۷،۰۷،۱۰) و ۱۲(اصلاحـی ۱۳۲۲،۳،۱۰) قانـون ثبت و ماده ۵۹ آئین نامه اجرائی قانون مذکور املاکی که در سه ماهه سوم پذیرش درخواست ثبت شده و همچنین املاکی که به موجب تبصره یک ماده ۲۵ قانون ثبت و مطابق رای هیأت نظارت نیاز به تجدید آگهی دارد و املاکی که طبق ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و آئین نامه مربوطه در هیأت حل اختلاف منجر به صدور رای می گردد به شرح ذیل آگهی می گردد.
املاک واقع در بخش ۹ دهستان لیتکوه
۴۴- اصلی قریه دورانسر و بربرخیل
۱۶۴۷۱ فرعی شهرداری آمل به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۱۵۲۱۰۱ در ششدانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی به مساحت ۳۰۱.۲۵ مترمربع.
لذا اشـخاصی که نسبت به رقبات درخواست ثبت شـده مندرج در این آگهی اعتراضی داشته باشند می توانند به استناد ماده ۱۶ قانون ثبت از تاریخ اولین انتشار ظرف مدت ۹۰ روز درخواست واخواهی خود را به دبیرخانه این اداره تسلیم و رسید اخذ نمایند و هرگاه بین تقاضا کننده و دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوی در مراجع قضائی اقامه شده باشد معترض باید گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه اسـت و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید این آگهی در دو نوبت به فاصله ۳۰ روز منتشر خواهد شد آگهی تحدید حدود املاک مذکور مطابق ماده ۱۴ قانون ثبت طی آگهی دیگری به عمل خواهد آمد . مدت اعتراض به آگهی نوبتی تجدیدی از تاریخ انتشار نوبت اول به مدت ۳۰ روز می باشد همچنین املاکی که در اجرای ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی گردید تحدید حدود آن همزمان انجام می شود. آ- ۱۴۱۰۴۸۵ م الف ۱۲۵۹۷۰۰
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰،۱۱،۰۲ تاریخ انتشار نوبت د